

ورود «عملیات تهاجمی» به ادبیات نظامی ایران؛ جنگ لفظی یا راهبرد واقعی؟

وحید پوراستاد

۲۹/مرداد/۱۴۰۵



تصویری از فرماندهان و مقامات کشته‌شده، و رهبران پیشین و فعلی جمهوری اسلامی در مسیر یک راهپیمایی مذهبی

جمهوری اسلامی در ادبیات نظامی خود «بازدارندگی» را این‌گونه تعریف می‌کند: بالا بردن هزینه حمله برای «دشمن»؛ اگر دشمن حمله کند، ایران پاسخ می‌دهد.

در احکام تازه مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، یک عبارت دیگر کنار آن نشسته است: «عملیات تهاجمی پرقدرت». احمد وحیدی، فرمانده سپاه پاسداران، مأمور شده که هم بازدارندگی را به حداکثر برساند و هم برای اجرای عملیات تهاجمی آماده باشد.

علی عبداللهی، رئیس جدید ستاد کل نیروهای مسلح، هم مأمور تکمیل ادغام ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (قرارگاه عملیاتی جنگ) شده است.

در محاسباتی که این روزها از تهران بیرون می‌آید، محاصره دریایی هم نامحدود نیست: برای تحمل آن، سقف زمانی تعریف شده و عبور از آن می‌تواند «پاسخ نظامی پیش‌دستانه و هدفمند» برای شکستن

محاصره را وارد محاسبه کند.

این تغییر درست در زمانی رخ داده که جنگ، دست‌کم در منطقه خلیج فارس، از آتش‌بس به محاصره دریایی و فشار اقتصادی منتقل شده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز ۲۸ مرداد مرحله تازه فشار بر ایران را «جنگ اقتصادی و انزوای بی‌سابقه» خواند و تهدید کرد هر کشوری که برای ایران راه مالی یا تجاری باز کند با «عواقب اقتصادی بسیار سنگین» روبه‌رو می‌شود. او خواستار توقف «قاچاق نفت، انتقال پول، صرافی‌ها، ثبت کشتی‌ها و شرکت‌های صوری» شد.

چند ساعت پیشتر، امارات متحده عربی اعلام کرده بود که تجارت و تراکنش‌های مالی با ایران را متوقف می‌کند.

تنگه هرمز جایی است که دو مسیر تقابل به هم می‌رسند. تهران بازگشایی کامل تنگه را به رفع محاصره بنادر، آزادسازی منابع بلوکه‌شده، رفع محدودیت فروش نفت و پایان عملیات نظامی در همه جبهه‌ها گره زده است.

عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، نیز در گفت‌وگوی ویژه خبری گفت: «تنگه هرمز الان به عنوان یکی از ابزارهای مهم بازدارندگی ما عمل می‌کند». او روز ۲۴ مرداد نیز درباره مذاکرات فنی با عمان گفته بود که نیروهای مسلح در تعیین مسیرهای دریایی تنگه درگیرند و «صاحب‌نظر اصلی» این موضوع‌اند؛ اما بازگشایی تنگه را مسئله‌ای جدا دانست که به تحقق شروطی از سوی آمریکا بستگی دارد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران در اسلام‌آباد، پیش‌تر گفته بود اگر ایران می‌خواست محاصره را فقط با عملیات نظامی بشکند، باید وارد جنگی بزرگ‌تر می‌شد، اما توانسته که «زیر سایه همان موشک» امتیاز بگیرد.

اعلام تازه دونالد ترامپ این ادعا را در معرض آزمون گذاشته است. واشینگتن نه تنها فشار اقتصادی را کاهش نداده، بلکه می‌گوید قصد دارد کشورها و شرکت‌های ثالث را هم وادار کند که راه‌های تنفس اقتصادی ایران را ببندند.

چیزی که محمدباقر قالیباف «عقب‌نشینی» طرف مقابل توصیف کرده بود، فعلاً در عرصه اقتصادی و محاصره دریایی به فشار گسترده‌تری تبدیل شده است.

مهدی محمدی، مشاور راهبردی محمدباقر قالیباف و از افراد حاضر در هیئت ایرانی برای مذاکرات اسلام‌آباد، این بن‌بست را به احتمال دور بعدی جنگ وصل می‌کند.

او آتش‌بس را پایان جنگ نمی‌بیند و رویارویی تازه ایران و «محور مقاومت» با آمریکا و اسرائیل را «در آستانه وقوع» و حتی «اجتناب‌ناپذیر» توصیف کرده است. درباره محاصره هم صریح‌تر است: «ایران دیگر محاصره را تحمل نمی‌کند» و «تا آمریکا تسلیم نشود و شروط ایران را نپذیرد، دیپلماسی شانسی ندارد».

در روایت او، تصمیم‌گیران ایران برای تحمل محاصره، «سقف زمانی» دارند و بعد از آن «پاسخ نظامی پیش‌دستانه و هدفمند» برای شکستن محاصره وارد محاسبه می‌شود. اگر «شروط تهران» اجرا نشود، ادامه وضع موجود قرار نیست گزینه دائمی باشد.

بیشتر در این باره:

جنگ، توافق یا ادامهٔ بن‌بست؟ سناریوهای پیش روی ایران و آمریکا



از همین‌جا «راهبرد تهاجمی» از یک تعبیر سیاسی به مسئله‌ای نظامی تبدیل می‌شود. محمدرضا نقدی، مشاور عالی فرمانده کل سپاه، ۲۰ مرداد در یک گفت‌وگوی تلویزیونی گفت نیروهای مسلح باید بتوانند عملیات را «به خاک دشمن» منتقل کنند و دور از سرزمین ایران بجنگند. نقدی، این توانایی را بخشی از «دکترین تهاجمی» خواند.

چند روز بعد همین زبان وارد موضع رسمی خود سپاه شد؛ در بیانیهٔ این نیروی نظامی آمده بود که هرگونه تهدید و تعرض با تکیه بر «بازدارندگی حداکثری» و «عملیات تهاجمی پر قدرت» در هم کوبیده خواهد شد. چیزی که ابتدا در توضیح یک فرمانده از تغییر دکترین شنیده می‌شد، حالا به ادبیات رسمی سپاه هم راه پیدا کرده است.

تغییر، فقط به زبان فرماندهی محدود نمانده است. حسین محبی، سخنگوی سپاه، روز ۲۹ مرداد گفت که قدرت تخریب سرهای جنگی موشک‌های سپاه «بسیار فراتر» از نمونه‌های استفاده‌شده در جنگ‌های پیشین است و اگر جنگی آغاز شود، تسلیحات ایران «در تمامی ابعاد با گذشته کاملاً متفاوت خواهد بود».

محسن رضایی، دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی، نیز اوایل مرداد گفته بود که اگر آمریکا جنگ را ادامه دهد، ایران دیگر به «مقابله به مثل» اکتفا نمی‌کند و وارد «مرحلهٔ تهاجمی و انهدامی» خواهد شد.

احکام تازهٔ مجتبی خامنه‌ای به این ادبیات، ساختار فرماندهی هم داده است. ادغام ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا می‌تواند فاصلهٔ میان تصمیم راهبردی و اجرای عملیات را کوتاه‌تر کند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، ۲۴ مرداد در گزارشی با عنوان «روزی که پارادایم دفاعی ایران تغییر کرد»، از فاصله گرفتن از «قدرت ضربهٔ دوم» و حرکت به سوی امکان «ضربهٔ اول» و همچنین از «راهبرد ایران؛ حملهٔ پیشگیرانه» نوشت. محمد مخبر، دستیار مجتبی خامنه‌ای، هم گفت اگر شرایط ایران محقق نشود، «راهبرد قطعی رهبری» تهاجمی‌شدن جنگ است.

مهدی محمدی، مشاور محمدباقر قالیباف، این تغییر را فقط به خلیج فارس محدود نمی‌کند. او از «جنگ شبکه‌محور ایران و مقاومت» حرف می‌زند؛ مدلی که یمن، لبنان و عراق را جبهه‌هایی جدا اما مرتبط می‌بیند و موشک، پهپاد، عملیات دریایی، نیروهای همسو، فشار اقتصادی و جنگ شناختی را کنار هم می‌گذارد. در این تصویر، هر مرحله باید موقعیت ایران را برای مرحله بعدی بهتر کند.

«تناقض پرهزینه»

این راهبرد یک تناقض پرهزینه هم دارد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، می‌گوید که «جنگ هدف ما نیست» و مسیر مطلوب را پایان جنگ، رفع محاصره، آزادسازی منابع بلوکه‌شده و سپس گفت‌وگوی هسته‌ای تعریف می‌کند.

هم‌زمان خودش گفته که مسیر واردات کالا به کشور طولانی‌تر شده، قیمت تمام‌شده بالا رفته و درآمدهای نفتی کاهش یافته است. فشار تنگهٔ هرمز علاوه بر مسیر تجارت و نفت، به اقتصاد داخل ایران هم سرازیر شده است.

توان واقعی ایران برای اجرای راهبرد «عملیات تهاجمی پر قدرت» هنوز محل اختلاف است. دونالد ترامپ گفته که نیروی دریایی و هوایی ایران و تأسیسات نظامی‌اش نابود شده‌اند.

در داخل ایران هم دیاکو حسینی، پژوهشگر روابط بین‌الملل، در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» نسبت به وجود یک استراتژی کامل جنگی ابراز تردید کرده و گفته که داشتن موشک، هرمز و چند جبهه منطقه‌ای کافی نیست؛ سیاست، اقتصاد و عملیات نظامی باید در یک طراحی هماهنگ به هم متصل شوند.

پرسش اصلی حالا دیگر این نیست که تهران از واژه «تهاجمی» استفاده می‌کند یا نه. این واژه وارد احکام فرماندهی، بیانیۀ سپاه، تحلیل‌های نزدیک به تصمیم‌گیران و تهدیدهای مربوط به تنگه هرمز شده است.

نقطه تعیین‌کننده زمانی خواهد رسید که ایران تصمیم بگیرد فشار اقتصادی، ادامه محاصره دریایی یا نشانه‌های یک حمله تازه از چه حدی عبور کرده‌اند و آیا باید پیش از ضربه بعدی طرف مقابل دست به اقدام بزنند یا نه. آن لحظه روشن می‌کند که «تهاجم به جای انتظار برای حمله» یک راهبرد واقعی بوده یا زبان فشاری برای دوره‌ای که جنگ هنوز تمام نشده است.

وحید پوراستاد



وحید پوراستاد نزدیک به دو دهه فعالیت روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های مختلف ایران را در کارنامه خود دارد. او از اواخر سال ۸۹ به تحریریه رادیو فردا پیوست و در مدت فعالیت خود در رادیو فردا چندین مستند رادیویی و تلویزیونی نیز از جمله «سلول انفرادی»، «سی جنجال یک رئیس‌جمهور»، «پرونده قاضی سعید مرتضوی» و فیلم مستند «در اتاق بازجویی» را ساخته است.

این مطلب بخشی از:

گزارش و تحلیل

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

سیاسی